

اینکه امتیازات اقتصادی با نیت سیاسی از دولت‌های ضعیف گرفته می‌شد یا امتیازات سیاسی برای به دست آوردن منافع اقتصادی کسب می‌گردید، تفاوت چندانی نمی‌کند. استعمارگران روسیه و انگلیس در کشورهای مستعمر یا تحت نفوذ خود از هر راهی که ممکن بود تسلط خود را اعمال می‌کردند و از جمله از طریق ایجاد بانک و به این شیوه نه تنها در نظام مالی این کشورها سهیم می‌شدند، بلکه برای پرداخت‌های آلوده یا انتقال ثروت‌های به غارت‌رفته نیز ابزار مناسبی در اختیار می‌گرفتند. بانک استقراضی روسیه در ایران نیز با همین نیت سوداگرانه سیاسی و اقتصادی تأسیس شد و طی بیش از سی سال فعالیت خود کاری نبود که نکرد.

در مقاله پیش‌رو با اقدامات خیانت‌بار این بانک روسی در ایران آشنا خواهید شد.

سلطه تدریجی و روزافزون روسیه تزاری بر ایران، که از دوره سلطنت فتحعلی‌شاه (۱۲۱۱ - ۱۲۵۰ ق.) و به‌ویژه به دنبال شکست‌های نظامی ایران از آن کشور طی دو دوره جنگ آغاز شده بود، طی سال‌های آتی سلطنت قاجارها گسترش بیشتری یافت. هرچند پس از دوران فتحعلی‌شاه درگیری نظامی گسترده‌ای میان دو کشور ایران و روسیه روی نداد، حربه نظامی تقریباً تا پایان دوره قاجارها همواره عامل تهدیدکننده مهمی برای گسترش نفوذ و حضور سیاسی و اقتصادی روسیه تزاری در ایران بود. اما عامل مهم‌تری که بر نفوذ و حضور استعماری و سلطه‌آمیز روسیه در ایران بیش از پیش دامن می‌زد رقابت تنگاتنگ این کشور با انگلستان در شئون مختلف سیاسی و اقتصادی و تاحدی نظامی ایران بود که از همان دوره سلطنت فتحعلی‌شاه آغاز شده بود. رقابت دو کشور روس و انگلستان در ایران، به‌ویژه از آغازین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ق.) عمدتاً سیاسی و اقتصادی شد و هر دو کشور، برای تأثیرگذاری و در واقع سلطه هرچه بیشتر در شئون مختلف حاکمیت و جامعه ایرانی، رقابتی تقریباً کمتر محدودشونده را پی گرفتند. از جمله ابزارهای مهم سلطه و نفوذ دو کشور در ایران آن روزگار، رقابت در اخذ امتیازات گوناگون سیاسی و اقتصادی بود. تأسیس بانک استقراضی روس در ایران (۱۳۰۷/م. ۱۸۸۹ ق. - ۱۳۰۰/م. ۱۹۲۱ ق.) بر مبنای همین رقابت‌های سلطه‌آمیز دو کشور روسیه و انگلستان در ایران بود و هرچند به‌ظاهر مؤسسه‌ای مالی - اعتباری بود، مستقیماً وزارت دارایی روسیه آن را مدیریت و هدایت می‌کرد و طی چند سالی که از آغاز فعالیت این مؤسسه در ایران سپری می‌شد به سرعت در بسیاری از شهرهای ایران (به‌ویژه در نواحی مرکزی و شمالی ایران) شعباتی دایر کرد. تقریباً تمام فعالیت‌های اقتصادی و مالی این بانک تحت‌الشعاع اهداف و مقاصد سیاسی روسیه تزاری در

ایران قرار گرفت. در نوشتار پیش‌رو، مقاصد سیاسی تأسیس و فعالیت بانک استقراضی روس در ایران دوره قاجار بررسی شده است.

### رقابت با بانک شاهنشاهی

تقریباً اکثر مورخان و محققانی که در آثار خود به بانک استقراضی و فعالیت آن در ایران اشاره کرده‌اند، عمده‌ترین و گاه تنها دلیل تأسیس آن در ایران را رقابت با بانک شاهنشاهی برشمردند که یک سال و چند ماهی پیش از آن، امتیازش به تعدادی از اتباع انگلیسی واگذار شده بود. این دیدگاه تاحذیادی می‌تواند درست باشد. واقعیت این است که تا هنگام تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران، روس‌ها هیچ‌گاه به طرح تأسیس بانکی در ایران توجه جدی نکرده بودند و منابع موجود نیز اطلاعی در این باره نمی‌دهد. روس‌ها، مدت کوتاهی پس از انتشار خبر اعطای امتیاز بانک شاهنشاهی به اتباع انگلیسی، مراتب اعتراض و نارضایتی خود را از آن امتیاز به حکومتگران قاجار گوشزد کرده بودند و در این میان به‌ویژه شخص امین‌السلطان صدراعظم را بیش از هر کس دیگری شمتات می‌کردند؛ زیرا متهم بود «ابطاع این همه پیشرفت و ترویج [نفوذ] انگلیسی‌ها در ایران» شده است.<sup>۱</sup>

انگلیسی‌ها مدعی بودند که قصد آنها از اقداماتی نظیر تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران، رقابت و دشمنی با روس‌ها نیست و تنها هدفشان پایان دادن به چندین دهه خصومت میان دو کشور بر سر ایران و مناطق همجوار است.<sup>۲</sup> با این حال از لابه‌لای متون تاریخی این‌گونه درک می‌شود که در این برهه از زمان، انگلیسی‌ها در نظر داشتند با گسترش هرچه بیشتر نفوذ تجاری - اقتصادی خود در ایران، که یکی از ابزارهای این توسعه نفوذ نیز ایجاد بانک شاهنشاهی بود، بستر رقابت دو کشور را از شیوه‌های خشن‌تر پیشین - که البته متضمن پذیرش ریسک و خطرانی به مراتب بالاتر بود - به عرصه مسائل اقتصادی و تجاری سوق دهند. از دو مأموریت کلی که اجرای آن را وزارت امور خارجه بریتانیا بر عهده سردراموند ولف، وزیر مختار جدید آن کشور در ایران، نهاده بود می‌توان به طرح انگلیسی‌ها برای کشاندن رقابت دو کشور روس و انگلیس به عرصه‌های اقتصادی - تجاری پی برد: «اول آنکه او به ایران آمده بود تا به نحوی با حکومت روسیه تزاری قراردادی منعقد کند و به موجب آن، دو کشور انگلستان و روسیه به رقابت خود خاتمه دهند و انجام اصلاحات را در ایران تشویق کنند و گسترش دهند و مواضع یکدیگر را به رسمیت بشناسند. دوم آنکه بدون فوت وقت و با اتخاذ تدابیری چون توسعه تجارت و گسترش امنیت داخلی و وارد کردن سرمایه‌های کشورهای غربی به ایران از این کشور حمایت کند و آن را سرپا نگهدارد. وی در اواخر سال ۱۸۸۷ به وزیرمختاری انگلیس در ایران منصوب شده بود».<sup>۳</sup>

اما سردراموند ولف، نه تنها برای کاستن از تنش‌های میان دو کشور روس و انگلیس بر سر ایران گامی برنداشت، بلکه با اخذ امتیاز بانک شاهنشاهی برای اتباع انگلیسی عملاً بر اختلافات میان آن دو کشور افزود و دولت روسیه متقاعد شد که بریتانیا با تشکیل بانک در ایران قصدی جز توسعه نفوذ خود و رقابت جدی‌تر با روس‌ها نخواهد داشت. به همین دلیل پرنس دالگورکی، سفیر آن کشور در ایران، به مجرد ورود به تهران امین‌السلطان، عاقد قرارداد تأسیس بانک شاهنشاهی، را ملاقات کرد و او را تهدید نمود: «یا قرارداد بانک انگلیس باید پاره شود و یا باید منتظر آمدن عساکر روس به ایران شوید و به هیچ‌وجه به مخیله شما خطور نکنند که ما از راه ممالک روس می‌گذاریم شاه به لندن برود».<sup>۴</sup> باین‌حال و به‌رغم اعلام آمادگی امین‌السلطان برای اعطای هرگونه امتیازی به روس‌ها در قبال امتیاز بانک شاهنشاهی، در آن مقطع دالگورکی از طرح روس‌ها برای تأسیس بانکی مشابه در ایران سخنی به میان نیاورد.<sup>۵</sup>

به‌رغم اینکه علاءالملک به وزیرخارجة روسیه اطمینان داد که هرگاه آنان نیز اراده کنند می‌توانند در ایران بانک تأسیس نمایند، روس‌ها کماکان ناراضی خود از تأسیس بانک شاهنشاهی را به او و اولیای حکومت ایران گوشزد و تأکید می‌کردند که با اعطای امتیاز بانک شاهنشاهی «حالا تمام ایران به دست انگلیسی‌ها افتاد. این طور دعوی درستی نمی‌شود».<sup>۶</sup> بدین‌ترتیب درمی‌یابیم که تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران، علاوه بر اینکه خشم و نگرانی روس‌ها را به همراه آورد، در تأسیس یک بانک روسی در ایران نیز می‌توانست منشأ اثر باشد؛ چنان‌که پیش‌تر هم آمد، اکثر نویسندگان و مورخان به منشأ رقابتی تأسیس بانک استقراضی با بانک شاهنشاهی اشاره کرده‌اند. در هنگام تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران نیز اظهارنظرهایی مشابه درباره موضوع شده بود؛ چنان‌که پس از امضای امتیازنامه آن و اعطای بعضی امتیازات اقتصادی — تجاری دیگر به انگلیسی‌ها، روزنامه فرانسوی رویو دیپلماتیک (Revue Diplomatique) در این‌باره نوشت: «قضاوت درباره اینکه این اقدامات در آینده به سود یا زیان نفوذ انگلستان در ایران خواهد انجامید، دشوار است. سیاستمداران توانا و باتجربه معتقدند که دخالت وزارت‌خارجة در امور ایران، رقابت روس‌ها را برخواهد انگیزخت و از هم‌اکنون شروع فعالیت قدرت اخیر آشکار است. در حال حاضر نمایندگی دولت روسیه در ایران با یکی از کاربرترین و زیرک‌ترین دیپلمات‌ها، یعنی موسیو دپوتوف،<sup>۷</sup> است که آگاهی کاملی از امور شرق دارد و بی‌شتاب و با دوراندیشی اقدام می‌کند. روس‌ها که هیچ یک از سهامی را که در لندن به فروش می‌رسد نخریده‌اند عملاً تلاش می‌کنند که مانع اقدامات انگلیسی‌ها شوند و در کار آنها مشکلاتی پدید آورند. علاوه بر این، نهایت کوشش خود را به

کار می‌برند تا در شمال ایران آنچه را که انگلیسی‌ها در جنوب خواسته‌اند انجام دهند، به انجام رسانند. آنها فعلاً سرگرم تشکیل شرکتی هستند تا راه‌هایی احداث کنند که از یک طرف، تهران و دریای خزر و از طرف دیگر، تبریز و تفریس را به هم مرتبط سازد. آنها همچنین درصدد هستند در ایران بانک استقراضی و شرکت بیمه تأسیس کنند».<sup>۸</sup>

عبدالله مستوفی، در تحلیل دلایل تأسیس بانک استقراضی در ایران، به اعطای امتیاز بانک شاهنشاهی، که پیش از آن به انگلیسی‌ها واگذار شده بود، اشاره کرده و گفته است: «روس‌ها هم برای اینکه از رقیب عقب نمانند تقاضای تأسیس بانکی از دولت ایران نموده و بالاخره هم موفق شدند و بانکی به اسم استقراضی رهنی در تهران دایر کردند».<sup>۹</sup>

محمدعلی جمال‌زاده نیز تصریح کرده است که تأسیس بانک استقراضی در ایران در درجه اول به رقابت دو کشور روس و انگلیس در عرصه سیاسی — اقتصادی ایران بازمی‌گشت و دولت روسیه با تأسیس بانک استقراضی بر آن بود تا سد راه پیشرفت و فعالیت بانک شاهنشاهی شود. به همین دلیل هم بود که به عقیده ایشان «در اول کار تنها کار بانک [استقراضی] منحصر به دسیسه در راه رقابت با بانک شاهنشاهی... و با نفوذ انگلیسی‌ها در ایران بود و در این راه و در راه تقویت نفوذ روس، بانک استقراضی اسراف زیاد نمود».<sup>۱۰</sup>

منابع و مأخذ دیگری نیز به انگیزه‌های رقابتی روس‌ها با انگلیسی‌ها در تأسیس بانک استقراضی اشاره کرده‌اند که برای پرهیز از طولانی شدن کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.<sup>۱۱</sup> بگذریم از اینکه دسته‌ای دیگر از منابع، امتیاز بانک استقراضی را «حق‌السکوت» دولت ایران «در برابر امتیاز تنباکو» ارزیابی می‌کنند که مدت کوتاهی پس از تأسیس بانک شاهنشاهی به تالیوت انگلیسی واگذار شده بود.<sup>۱۲</sup>

### کارکردهای سیاسی بانک استقراضی

تقریباً اکثر کسانی که روابط ایران و روسیه را در دوره متأخر قاجار بررسی و مطالعه کرده‌اند به این نتیجه مشترک دست یافته‌اند که اهداف اقتصادی آن کشور در ایران تحت‌الشعاع منظورات سیاسی آن قرار داشته و به عبارتی، فعالیت‌های عیدیه اقتصادی — تجاری آن کشور در ایران عمدتاً پوششی برای رسیدن به اهداف مهم‌تر سیاسی بوده است.

هرچند تفکیک اهداف سیاسی از منظورات اقتصادی بانک استقراضی، به طور اخص، و دولت روسیه تزاری، به‌طور کلی، در ایران عصر قاجار چندان منطقی هم نمی‌نماید، به‌ویژه اینکه وجود و کارکرد هر یک از این دو جنبه خطامشی آن کشور در ایران، برای موفقیت و پیشبرد دیگری ضروری به نظر می‌رسد، باین‌حال در قضاوت کلی باید گفت که روس‌ها در غایت امر، با توجه به مجموعه

شرایط سیاسی، اقتصادی، نظامی و... حاکم بر ایران آن دوره، تنها چاره حضور و نفوذ قدرتمندانه خود در ایران را با مرجع شمردن اهداف سیاسی خود بر سایر فعالیت‌ها و کارکردهایشان محقق می‌دیدند. بدین‌ترتیب بانک استقراضی نیز، به مثابه مهم‌ترین ابزار اقتصادی روسیه در ایران، می‌توانست حضور سیاسی قدرتمندانه‌تر آن کشور را در ایران به جد یاری و پشتیبانی کند. بعضی از روس‌هایی نیز که در آن روزگار در دستگاه سیاسی روسیه تزاری در ایران خدمت می‌کردند در خاطرات و نوشته‌های خود به تصریح اذعان کرده‌اند که دولت روسیه از فعالیت‌های اقتصادی — تجاری نیل به اهداف کلان‌تر سیاسی را مدنظر داشته است؛ از جمله موسیو نیکتین، که طی سال‌هایی از دهه پایانی حضور روسیه تزاری در ایران، کنسول آن کشور در رشت بوده و به خاطر تحصیلات عالی‌اش، اوضاع سیاسی — اقتصادی حاکم بر ایران و عملکرد روسیه تزاری در عرصه ایران را با درایت بیشتری دنبال کرده، در ارزیابی کلی سیاست روس‌ها، به اقدام آن کشور در صرف مبالغی هنگفت در ایران سخت انتقاد نموده و با اشاره به اهداف سیاسی بانک استقراضی در سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی — تجاری و اعتباری در بخش‌های مختلف کشور، نتیجه نهایی این‌گونه اقدامات را برخلاف منافع کلی روسیه در ایران دانسته است.<sup>۱۳</sup>

از منظر آگاهان امور، از همان آغاز تأسیس و فعالیت بانک استقراضی در ایران، جنبه سیاسی اهداف این مؤسسه بر مقاصد اقتصادی آن غلبه داشت. هم ناظران وقت و هم محققان و کارشناسان مسائل اقتصادی — تجاری دوره‌های بعد نیز بر این ویژگی سیاسی بانک استقراضی تأکید کرده‌اند.<sup>۱۴</sup> بدین‌ترتیب از همان آغاز تأسیس این مؤسسه در ایران، کار آن با دیده تردید نگریسته شد و مجموعه کارکردهای اقتصادی — سیاسی آن محققان و صاحب‌نظران متأخر را در اینکه اهداف سیاسی بانک را بر مقاصد اقتصادی آن ترجیح دهند استوارتر کرد.<sup>۱۵</sup>

با تمام این احوال و به‌رغم پیش‌بینی‌هایی که می‌شد، بانک استقراضی، تا هنگامی که طی سال‌های پایانی دهه ۱۸۹۰، سهام آن را دولت روسیه خرید و بدین‌ترتیب تحت کنترل مستقیم وزارت دارایی (مالیه) آن کشور درآمد، کارکردی سیاسی نداشت و اگر هم چنین هدفی برای آن در نظر گرفته شده بود، تا هنگامی که مدیریت آن بر عهده پولیاکف و شرکایش بود، عملکرد سیاسی آن تحت‌الشعاع فعالیت‌های هرچند اندک اقتصادی — اعتباری آن قرار داشت؛ هرچند که در قضیه پرداخت قرضه رژی، اولیای این بانک تلاش ناموفقی انجام دادند تا بلکه با یاری دولت روسیه در رقابتی آشکارا سیاسی — اقتصادی با بانک شاهنشاهی و دولت حامی‌اش انگلستان، وام پانصد هزار لیره‌ای مورد نیاز حکومت ایران را تهیه کنند و در اختیار کمپانی رژی قرار دهند. باین‌حال تردیدی

وجود ندارد که شکست طرح روس‌ها در مسئله اعطای قرضه رژی، دولتمردان روسی را نسبت به اهداف سیاسی - اقتصادی خود در آینده که ضرورت داشت از طریق بانک استقراضی اجرا شود هوشیارتر کرد. اما هنگامی که سهام بانک به دولت روسیه منتقل شد، بر همگان آشکار گردید که بانک استقراضی از آن پس نه در جایگاه یک مؤسسه اعتباری - مالی صرف، بلکه به صورت ابزار قدرتمند اقتصادی عمل خواهد کرد که هدف نهایی آن تأمین خواسته‌های سیاسی دولت روسیه تزاری در ایران خواهد بود. به عبارت بهتر پس از آنکه بنیان‌گذاران و سهامداران اولیه بانک از مدیریت بانک کنار رفتند، «کلیه سهام بانک استقراضی به بانک دولتی پترزبورگ منتقل شد و در معنی تحت اداره وزارت دارایی روسیه درآمد. از این تاریخ بانک استقراضی، که مرکز آن پترزبورگ تعیین شده بود، به یک دستگاه کاملاً سیاسی تبدیل گردید و هدف‌های اقتصادی و تجاری آن تحت الشعاع و تابع منظورهای سیاسی دولت روسیه قرار گرفت. نماینده سیاسی مخصوصی برای امور بانک به تهران فرستاده شد و مدیرکل مؤسسه مزبور در تهران و مدیران شعب در ولایات و ایالات تحت امر و حکم او قرار گرفتند. برای اینکه وحدت و هماهنگی کاملی بین دولت روسیه و بانک استقراضی وجود داشته باشد اکثر اداره بانک استقراضی به وابسته بازرگانی سفارت محول می‌گردید و مقام مزبور هر دو این سمت را توأم دارا بود. سرمایه و موجودی بانک در اختیار سفارت روسیه در تهران و کنسولگری‌های تابعه در ایالات قرار داشت و در موقع لزوم مورد استفاده واقع می‌شد».<sup>۱۶</sup>

سرمایه‌های نقدی هنگفتی که مدت اندکی پس از این تغییر و تحولات در اختیار بانک استقراضی قرار گرفت تردیدی باقی نگذاشت که در آینده‌ای نزدیک، بانک در فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی مهم‌تری مشارکت خواهد نمود و به نوعی «نمودار قدرت و عزم و ارادهٔ بانیان [جدید] آن» خواهد بود.<sup>۱۷</sup> مهم‌تر از سرمایه‌های هنگفت بانک استقراضی، که آن را در نگاه ناظران وقت و به‌ویژه رقبای اقتصادی - سیاسی‌اش سخت مهیب و قدرتمند می‌نمود، انتصاب مدیران جدید در رأس این مؤسسه بود که بنا به اقتضای وقت از میان بلندپایه‌ترین دولتمردان روسیه تزاری برگزیده شدند و برنامه‌های اقتصادی آنان نیز دنباله‌رو خطمشی سیاسی‌شان بود، و این خود بیش‌ازپیش از تحولی جدی در اهداف و برنامه‌های آتی بانک حکایت می‌کرد.

بدین ترتیب آگاهان به امور خیلی زود دریافتند که «آنچه در آینده بیش از هر چیز مورد توجه بانک جدید واقع خواهد شد امور صاف و ساده بانکی نخواهد بود».<sup>۱۸</sup>

ناظران وقت هم هنگام بحث دربارهٔ ویژگی‌های بانک استقراضی، بیش‌ازآنکه به فعالیت‌های اقتصادی آن توجه کنند، بر جنبه‌های سیاسی آن تأکید می‌کردند:

تجایی که بعضی از منابع وجود این بانک در ایران را نموداری از جلوه‌های قدرت و تفوق دولت روسیه در ایران می‌دانند؛ چنان که یکی از منابع بریتانیایی در توصیف این ویژگی بانک استقراضی طی سال‌های نخست سده بیستم میلادی نوشته است: «دو بانک اروپایی در ایران وجود دارد؛ یکی بانک شاهنشاهی ایران است که وابستهٔ انگلستان است و دیگری بانک استقراضی است که اکنون آن را بانک استقراضی روس می‌نامند و با بانک دولتی روسیه مرتبط است و توسط صاحب‌منصبان دولت روسیه اداره می‌شود. بانک استقراضی بیشتر شعبه‌ای از دولت روسیه است تا یک بانک. مرکز فعالیت هر دو بانک در تهران است».<sup>۱۹</sup>

از آنجاکه اغلب رؤسا و حتی کارمندان بانک استقراضی در تهران و نیز ایالات و شهرهای مختلف در امور تجاری و اقتصادی تجربهٔ کافی نداشتند و بیشتر به امور سیاسی توجه می‌کردند، در موارد متعدد خسارات عظیمهٔ اقتصادی به این بانک و نیز ایرانیان از طبقات مختلفی وارد آمد که با آن مؤسسه مرادفات تجاری - بانکی داشتند. این وضعیت گاه چنان آشکارا روی می‌داد که سبب اعتراض خود اتباع روسیه تزاری نیز می‌شد؛ از جمله روزنامهٔ «کاسبی» چاپ بادکوبه (باکو) طی گفتاری که دربارهٔ سیر رو به نقصان تجارت روس در ایران و بالاخص گیلان به چاپ رسانید، عامل اصلی این نکت تجارت را سوء عملکرد بانک استقراضی شعبهٔ رشت برشمرد که بیش‌ازآنکه به توسعهٔ تجارت روس با ایران توجه کند به مسائل سیاسی و پلیتیکی علاقه نشان می‌داد.

در بخش‌هایی از این گفتار انتقادی روزنامهٔ کاسبی از بانک استقراضی، که در ۶ محرم ۱۳۲۳ ترجمهٔ آن در روزنامهٔ حبل‌المتین به چاپ رسیده بود، چنین آمده است: «از انزلی تا طهران سبب ورست بیش نیست (۴۸ فرسخ) و از بادکوبه تا انزلی بیست و هشت ساعت کشتی می‌رود. در انزلی، تجارت روس را مانعی که موجب تنزل باشد به نظر نمی‌رسد، ولی از انزلی تا رشت و از آنجا تا طهران قلم از تحریر موانع تجارتی شرم دارد و حمل و نقل مال‌التجارهٔ روس را به درجهٔ مشکلات می‌رسد که نتوان نوشت، محض اطلاع کارآگاهان مختصراً بیان کردیم.

عاملین شعبه، بانک استقراضی در رشت کمتر از امور تجارت اطلاع دارند. هرچند مدیر آن ماهر و کاردان و نکته‌فهم است، ولی اجزا لیاقت این خدمت را ندارند و هر قدر رئیس بانک تغییر و تبدیل شده، چون اجزا همان‌اند، نتیجه که منظور دولت است حاصل نمی‌شود و رئیس بانک هم بیشتر خود را صرف امور پلیتیکی می‌نماید.

مال‌التجاره که مشترکین بانک به واسطهٔ بانک تحصیل می‌نمایند اجزاء از عدم خیرت، آنقدر مخارج بی‌معنی و بی‌فایده به مال‌التجاره حمل می‌کنند که خرج بیش از خرید اتمعه می‌شود. در این صورت

**مدیران جدید بانک استقراضی، بنا به اقتضای وقت، از میان بلندپایه‌ترین دولتمردان روسیه تزاری برگزیده می‌شدند و برنامه‌های اقتصادی آنان نیز دنباله‌رو خطمشی سیاسی‌شان بود، و این خود بیش‌ازپیش از تحولی جدی در اهداف و برنامه‌های آتی بانک حکایت می‌کرد**

قیمت مال دومقابل و مشتری نمی‌تواند نفع ببرد و درخواستن مال‌التجاره رغبت نماید. چه مسلماً اقدام هر فعل برای منفعت است لابد اگر امری که نفع نرساند، ترکش اولی است. به این جهت مشتری، که یک دفعه به بانک طرف شده، دیگر نمی‌آید و حال آنکه دولت روس برای توسعه تجارت خود در ایران سالی زیاده از یک میلیون خسارت قند را متحمل می‌شود و از خزینه می‌دهد. ولی اعضای بانک مسلک به این بزرگی دولت را اعتنا نموده برای ده شاهی تنزیل چنان بدرفتاری می‌نمایند که دیگر رغبت برای سکنه نمی‌ماند و به خیال خودشان مداخل بانک را زیاد کرده‌اند و این خود عین خسارت دولت است و اگر در ازدیاد مداخل بانک جد موفور دارند، فقط برای ترفیع و ترقی مراتب شخصی است نه مداخل دولت و حال آنکه دولت روس در تعرفه گمرک جدید چقدر زحمت کشیده و به چه اندازه مساعدت تجارت خود را به هر وسیله که بود از دولت ایران حاصل نمود. همین قدر بس است که سایر دول غبطه خوردند و حسد بردند.

با وجود این، تجارت روس در دست مردمان کم‌خبرت بی‌وقف اسیر و گرفتار و ابتدا پیش رفت نموده و به واسطه عدم اعتنای مستخدمین بانک، تمام تاجر ایران ترک تجارت گفتند و از میان رفتند؛ چنان‌که مالی که مشتری به بانک سفارش نمود از

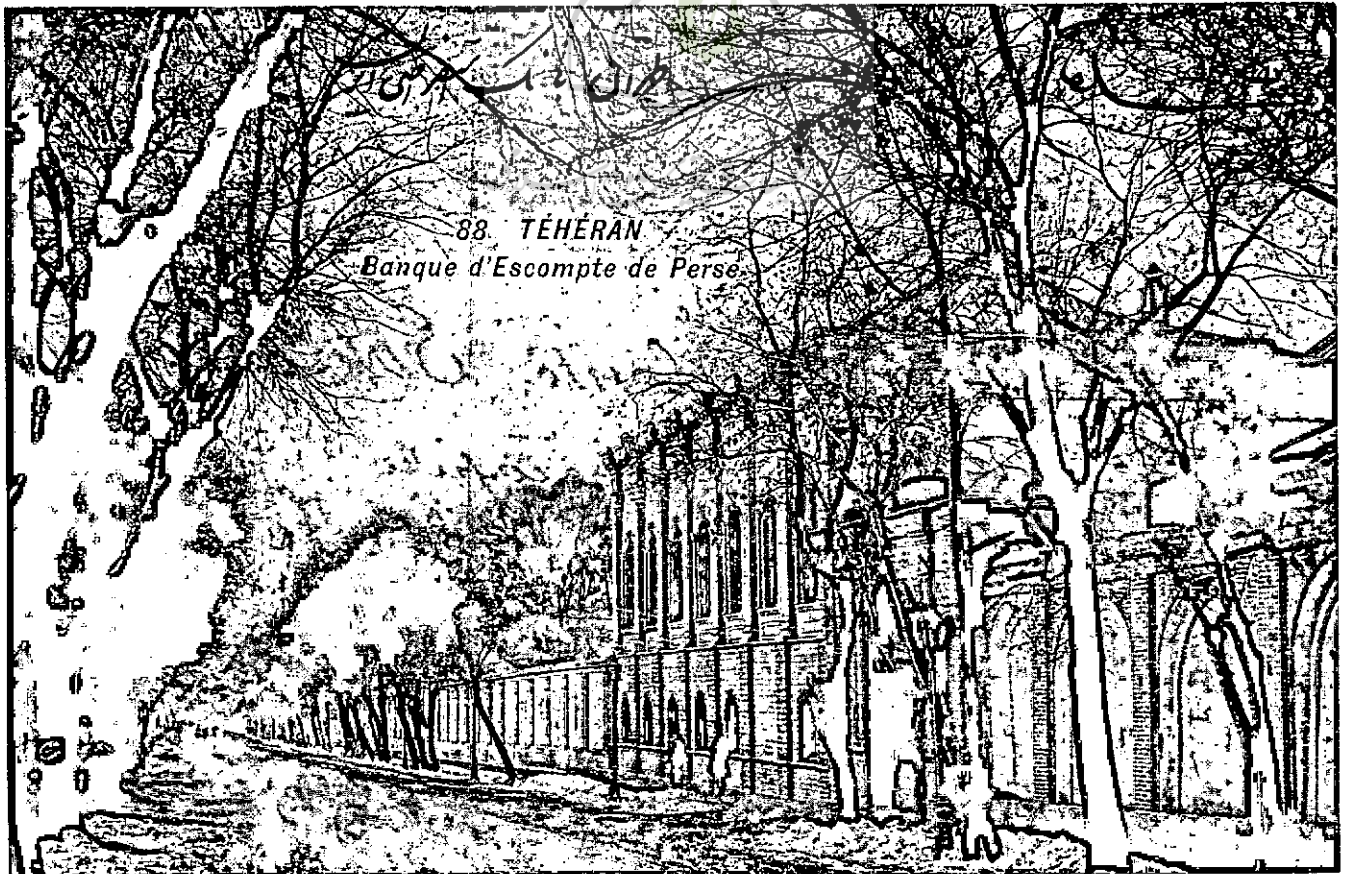
عدم اطلاع اجزا نتوانستند مدت رسیدن آن را برای مشتری بگویند، بدان سبب یک ماه وعده دادند و شش ماهه نرسید و هرچه مشتری بیچاره فریاد کرد و به رئیس و مرئوس عرض حال نمود کسی اعتنا نکرد سهل است تغییر نموده، ید هم گفتند.

بیعانه را هم پس ندادند تا آنکه پس از هشت ماه مال رسید، آن هم ناقص و ضایع، مشتری هرچه داد زد که اقل کسر مال را از قیمت موضوع کنند، به خرج نرفت، گفتند: باید تمام پول وصول شود و حقوق مشتری بعد از دو سال از اداره بیمه وصول گردد، با وجود اینها، تجارت روس چگونه می‌تواند پیشرفت نماید، ما چگونه معاملات شعبه بانک استقراضی ایران را در گیلان مفضلاً خواهیم نگاهشت».<sup>۲</sup>

درواقع هم از آنجاکه آموزه‌های دولت روسیه به رؤسای بانک استقراضی در ایران پیش‌از آنکه بر اصول اقتصادی - تجاری تأکید ورزد بر کارکردهای سیاسی متکی بود، کارگزاران این بانک به سود و زیان اقتصادی‌ای که بر فعالیت‌های گوناگون بانک مترتب بود وقع چندان نمی‌نهادند و به‌طور کل پیشبرد سیاست کلی روس در ایران مورد توجه بود. بر همین اساس هم بود که منابع موجود کمتر به جنبه اقتصادی بانک استقراضی توجه کرده‌اند و عملکرد اقتصادی آن در غالب و پوشش نیل به اهداف کلان سیاسی دولت روسیه در ایران ارزیابی شده است؛ چنان‌که

یکی از منابع آن دوره به صراحت در این‌باره نوشته است: «... دیگر بانکی که در ایران وجود داشت بانک استقراضی روسیه بود که عملاً یک مؤسسه دولتی محسوب می‌شد. این بانک نیز در اکثر شهرهای مهم شعبه داشت و نقش مهمی در سیاست‌های روسیه داشت».<sup>۳</sup>

بر همین اساس هم بود که بانک استقراضی طی دوران فعالیتش در ایران هیچ‌گاه سیاست یکسانی در فعالیت‌های مختلف اقتصادی - تجاری خود اعمال نکرد و هرازچندگاه و بنا بر مصالح سیاسی دولت روسیه تزاری، عملکرد و خطمشی این بانک نیز دچار تغییر می‌شد. پیوکارلوترنزیو، با بهره‌گیری از اسناد و مدارک آرشیو کراسنی (Krasnie Archive)، چرخش و تغییر سریع طرح و برنامه‌های اقتصادی - تجاری دولت روسیه را براساس خواسته‌ها و اهداف سیاسی آن کشور در ایران، طی سال‌های ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ م. به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است: «۱- حتی‌الامکان از پرداخت وام به درخواست‌های شاه خودداری شود؛ ۲- در موارد استثنایی، پرداخت کمک‌های مالی با توجه به ملاحظات سیاسی و اقتصادی در مقابل دریافت تضمین‌های کافی مجاز خواهد بود؛ ۳- هیچ‌گونه امتیازی پذیرفته نشود مگر با اطمینان از مفید بودن آن؛ ۴- مؤسسات روسیه موجود در ایران (بانک‌ها، جاده‌ها، شرکت‌های حمل و نقل و غیره) گسترش



یابد و تکمیل شود؛ هـ با گسترش و تأسیس راه‌آهن در ایران (از جانب انگلیس‌ها) مخالفت شود؛ ۶- در گسترش شبکه تلگرافی به عنوان ضمیمه شبکه جاده‌ها مشارکت به عمل آید.

به طوری که دیده می‌شود در سال ۱۹۰۴ م. برنامه روس‌ها بیشتر بر پایه طرح‌های اقتصادی بی‌ریزی شده بود. سال بعد وضعیت تغییر کرد و به صورت زیر درآمد:

نتایج مربوط به پیشنهاد های لامسدورف در کمیته وزیران مورخ ۲۵ اوت ۱۹۰۵ م. به این شرح بود: ۱- دولت ایران می‌تواند یک کمک مالی به میزان ده میلیون روبل از روسیه دریافت کند و آن را ظرف چندین سال به اقساط مستهلک سازد؛ ۲- ایران نباید از اعتبارات خارجی استفاده کند (بانک شاهنشاهی). (به این معنی که دیگر از سایر کشورها وام نگیرد)؛ ۳- بانک استقراضی روس باید حق انحصار تهیه پول (ضرب سکه) را طبق قرارداد جداگانه‌ای داشته باشد؛ ۴- دولت ایران تعهد می‌کند در نواحی مجاور مرز روسیه بدون موافقت کشور مزبور هیچ‌گونه امتیازی ندهد؛ ۵- دولت ایران تعهد می‌کند تا پایان دو تعهد فعلی که از طرف شاه انجام شده با هیچ کس درباره راه‌آهن وارد مذاکره نشود و هرگونه تصمیم آتی صرفاً باید با موافقت روسیه انجام شود؛ ۶- هرگونه سفارش تهیه اسلحه و تجهیزات از طرف ایران به خارجی‌ها مخالف خواسته ما خواهد بود و باید تا آنجا که امکان دارد با آن مخالفت شود. در حقیقت ما می‌توانیم کلیه تجهیزات لازم را از مخازن قدیمی روسیه تهیه و در اختیار دولت ایران قرار دهیم؛ ۷- افزایش مرزبان نظامی خارجی در ایران مورد موافقت ما نیست و برای ما مناسب‌تر خواهد بود که تا حدودی نیروی ارتش ایران را با مرزبان روسی تقویت کنیم.

سه ماه بعد از نبرد تسوشیما، که مشکلات داخلی بی‌شماری برای روسیه ایجاد کرد، این کشور، که در خاور دور با شکست مواجه شده بود، یک بار دیگر نظر خود را به سوی آسیای مرکزی معطوف ساخت و به ایران روی آورد.

بار دیگر زمینه‌هایی فراهم آورد تا بتواند سرمایه‌گذاری خارجی را فلج کند و این کشور را بیش‌ازپیش به همسایه نیرومند شمالی خود نزدیک سازد.

پس از مدت کوتاهی رکود، که بر اثر منازعات در خاور دور پدید آمده بود، روسیه مجدداً سیاست استعمارطلبی خود را در ایران از سر گرفت.

ماشین جنگی روس‌ها، که در اقیانوس آرام از کار افتاده بود، بلافاصله اقیانوس هند را عرصه تاخت و تاز خود قرار داد.<sup>۳۳</sup>

چنان‌که یوکارلوتزنیو به درستی خاطر نشان ساخته است، بانک استقراضی در میان مجموعه ابزارهای اقتصادی - تجاری روسیه برای پیشبرد اهداف سیاسی‌اش، کلیدی‌ترین جایگاه را داشت.

برای تحقق اهداف سیاسی دولت روسیه<sup>۳۴</sup> در ایران، در تمام دوران فعالیت بانک استقراضی در این کشور، هماهنگی بسیاری میان مدیران این بانک با نمایندگی‌های سیاسی روسیه در تهران و نیز سایر نقاط کشور وجود داشت؛ چنان‌که گاه کنسول وقت روسیه در بعضی از شهرها و ایالات هم‌زمان شعبه بانک استقراضی را نیز ریاست و مدیریت می‌کرد و نیز در بیشتر مسائل سیاسی و نظامی، که بین کنسولگری‌ها و اتباع روسیه با کارگزاران دولت ایران به وجود می‌آمد، رؤسای محلی بانک استقراضی نیز مداخله می‌کردند و از مجموعه مدارک برجامانده چنین استنباط می‌شود که هم قدرت و نفوذ و هم حوزه عمل و فعالیت رؤسا و مدیران بانک استقراضی در ایالات و شهرهای مختلف ایران بسیار فراتر از امور اقتصادی - تجاری و مسائل مالی - بانکی بود و حتی در مواردی، کارگزاران محلی دولت ایران برای موفقیت در حوزه فعالیت خود می‌بایست به‌نوعی با آنان کنار می‌آمدند و حیطه نفوذ و قدرت سیاسی - اقتصادی آنان را مدنظر قرار می‌دادند.<sup>۳۵</sup>

بدین ترتیب آشکار بود که اعتبارات هنگفت مالی بانک بیش از هر چیز در خدمت مقاصد سیاسی‌ای خواهد بود که مقامات وزارت امور خارجه و مالیه دولت روسیه تزاری اجرای آن را به مدیران ارشد این بانک توصیه و سفارش می‌کردند. دقیقاً به خاطر همین «تزیق قصد و غرض سیاسی» در این بانک بود که این مؤسسه به‌ظاهر اعتباری - مالی آن را به «یک دکان سیاسی» مبدل ساخت و به دنبال آن سرمایه‌های اقتصادی - اعتباری آن در مسائلی خارج از حوصله امور تجاری - اقتصادی به کار گرفته شد.<sup>۳۶</sup> مدیران و رؤسای این بانک نیز، به جای اشتغال به امور بانکی و تجاری، وقت خود را صرف کارهای سیاسی و خلاف قاعده می‌کردند که در مجموع معنایی جز مداخله ناروا در امور داخلی ایران نداشت. موارد بسیاری اتفاق می‌افتاد که به دلیل مداخلات ناروای رؤسای بانک استقراضی در ایالات و شهرهای مختلف کشور، کارگزاران محلی دولت دچار مشکلات عدیده می‌شدند و به زحمت می‌افتادند؛ برای نمونه کارگزاری گیلان در ۶ رجب ۱۳۲۳ ق. طی گزارشی به وزارت امور خارجه، به یکی از همین مداخلات نابجای بانک استقراضی در آن ایالت چنین اشاره کرده است: «پرویز قونسول روس منزل بنده بود. در طی صحبت، محرمانه پرسیدم که من اطلاع دارم شما در تمام مدت حکومت حضرت والا و پیشکاری جناب لواءالملک نمی‌توانید ایرادی از ایشان نسبت به خودتان بیاورید شنیدم شکایتی کرده بودید به چه جهت بود. گفت: من هرگز شکایت نکرده‌ام. سابقاً موسیو تسمیه بلژیکی، که رئیس پست و صندوق بود، با جناب لواءالملک دوستی داشت. میل نداشتم بعد از عزل او دیگر رنجش حاصل نکرده معلوم است رئیس بانک استقراضی به اشاره بعضی، که با او

طرف محاسبه هستند، بدون اسم و جهت شکایت کرده تازه اهالی رشت برای پیشرفت مقاصد باطله خودشان منجی پیدا کرده‌اند یا مهتر و درشکه‌چی و فراش بانک باشند و یا محاسبه‌دار. مکرر دیده شد این مرد که رئیس [بانک] از پیش خود می‌فرستد و مؤاخذه می‌کند که فلان آدم با من حساب دارد، در حمایت من است...»<sup>۳۷</sup>

بدین ترتیب نفوذ و اقتدار سیاسی - اقتصادی بانک استقراضی در بخش‌های مختلف کشور روز به روز افزایش می‌یافت. این وضعیت، به‌ویژه در ایالاتی نظیر آذربایجان، که روس‌ها حضور چشمگیری داشتند، بیشتر نمود پیدا می‌کرد؛ تا جایی که مجموعه این عوامل دست به دست هم می‌داد و مردم آن مناطق را ناگزیر می‌ساخت تا برای ایجاد ارتباط بهینه با مؤسسات روسی، که مهم‌ترین آن بانک استقراضی بود، به ناچار زبان روسی را فرا بگیرند؛ چنان‌که گزارشگر روزنامه «قافقازسکی اسلوو» در ۱۰ رمضان ۱۳۳۴ ق. / ۱۱ ژوئیه ۱۹۱۶ م. به رسوخ چشمگیر زبان روسی در میان مردم تبریز به خاطر نفوذ و فعالیت گسترده مؤسسات تجاری - اقتصادی و نیز دستگاه‌های اداری - سیاسی روسی در آن شهر چنین اشاره کرده است: «در تبریز علاوه بر مدرسه روسی و مسلمانی که اطفال ایرانی در آنجا به تعلیم زبان روسی اشتغال دارند، در این اواخر مشاهده می‌شود که عده کثیری از ایرانیان با یک فعالیت و جدیت بزرگی در تحصیل و تعلیم زبان روسیه برآمده‌اند و زبان روسی در اینجا رفته‌رفته حقوق ملکیت تحصیل می‌کند. نظر به اینکه قونسولخانه روس، بانک استقراضی، اداره راه‌آهن تبریز و سایر ادوات روس در اینجا اقامت داشته و طرف رجوع و احتیاجات اهالی هستند، از این رو اهالی این صفحات ناچارند که زبان روسی را تحصیل نمایند؛ زیرا که در آینه اشخاصی که این زبان را فرا نگرفته‌اند نمی‌توانند در امور تجاری و غیره موفقیت کسب کنند».<sup>۳۸</sup>

از حوزه‌های مهم فعالیت بانک استقراضی امور تجاری - اقتصادی بود. این بانک، با تکیه بر سرمایه‌های نقدی و غیرنقدی هنگفتی که در اختیار آن قرار می‌گرفت، برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی - تجاری خود از هر ریسک و خطری فروگذار نمی‌کرد و این به دلیل توجه مدیران این بانک به اهداف سیاسی ورای این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی بود که هرگونه سرمایه‌گذاری اقتصادی - تجاری ریز و کلانی را برای نیل به آن اهداف سیاسی موجه می‌ساخت.<sup>۳۹</sup> علاوه بر این اقداماتی نظیر سرمایه‌گذاری در خطوط راه‌آهن و احداث جاده‌های شوسه و آرابه‌رو در مناطق شمالی ایران نیز در نهایت برآورنده اهداف و خواسته‌های سیاسی - اقتصادی روس‌ها بود؛ چنان‌که در موارد متعدد، روسیه با بهره‌گیری از همین خطوط ارتباطی، نیروهای نظامی‌اش را در بخش‌های مختلف ایران

سازمان دهی کرده و نقل و انتقال می‌داد و به‌ویژه در جنگ جهانی اول بیشترین بهره سیاسی - نظامی را از این راه‌ها برد.<sup>۲۸</sup>

### سیاست اعطای وام

از ابزار مهم اقتصادی بانک استقراضی برای اعمال فشار سیاسی، اعطای قرضه‌های ریز و کلان به قشرهای مختلف مردم در گوشه و کنار کشور بود. با توجه به تعداد بسیار زیادی از مردم کشور، که به شکل‌های مختلف از این بانک وام اخذ نموده و به دلایل عدیده از بازپرداخت به موقع بدهی‌های خود استنکاف ورزیده بودند، مشکلات سیاسی، اقتصادی و... ناشی از آن سال‌ها دامنگیر دولت ایران و اولیای بانک و نمایندگی‌های سیاسی روسیه در ایران و مردم کشور بود. درباره تبعات سیاسی ناشی از قروض پرداخت‌نشده مردم کشور به بانک استقراضی موسیوب نیکتین، از کارگزاران سیاسی روسیه در سال‌های پایانی فعالیت بانک استقراضی در ایران، چنین نوشته است: «شعبه بانک روس در ابتدا بدون مضایقه و با کمال رغبت پول‌های زیاد به اعیان و ملاکین می‌داد و در مقابل آن، املاک آنها را به وثیقه می‌گرفت و طولی نمی‌کشید که پول زیادی از بانک خارج می‌گردید که قسمتی از آن به کسانی داده شده بود که پرداخت آن مشکوک و مشکل به نظر می‌آمد و بالاخره هم قونسول‌خانه روس مجبور می‌شد که در کارهای بانک دخالت کرده به این قروض زیاد رسیدگی کند... چنین سیاستی که در اعمال تجارتنی مداخله کند مفید نبود، بلکه قونسول را مجبور می‌کرد که در کارهایی که از صلاحیت او خارج است مداخله کند و از روی ناچاری به جای مالکین در روابط آنها با مستأجر و دولت از حیث وصول مالیات و حق ارباب دخالت کند... معلوم است که اگر می‌خواستند از این راه نفوذ روس را در ایران زیاد کنند می‌بایستی کاملاً از حدود خود تجاوز کنند... و قونسول‌خانه‌ها باید شغل رسمی خود را تبدیل کنند به اداره کردن امور فلاحتی و معاملات... کار به جایی رسیده بود که در روزهای قبل از جنگ جهانی اول نزدیک بود که مالیات هم در ولایات شمالی ایران به وسیله قونسولگری روس گرفته شود».<sup>۲۹</sup>

وام‌هایی که بانک استقراضی طی دوران فعالیت خود در مقاطع مختلف به حکومت و دولت‌های وقت ایران اعطا کرد، از ابزار مهم نفوذ سیاسی دولت روسیه در ایران بود. این وام‌ها، که از سال‌های پایانی ۱۸۹۰ م و در مقاطع مختلف اعطا شد، شروط سنگین و اسارت‌باری را به دنبال آورد و به شدت حکومت مرکزی ایران را به روس‌ها وابسته کرد. از طریق اعطای همین وام‌ها بود که طی دهه‌های پایانی سلطنت قاجارها، تمام منابع مهم اقتصادی - تجاری ایران تحت کنترل کشورهای خارجی قرار گرفت و کشور به سرعت در سرانحی سقوط افتاد.<sup>۳۰</sup>

### جمع‌آوری مالیات

از جمله منابع مهم اقتصادی دولت و حکومت ایران در دوره قاجار مالیات‌هایی بود که به شکل‌های مختلف از اتباع کشور اخذ می‌شد. پس از افتتاح بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی در ایران، حکام و کارگزاران محلی مالیات‌های جمع‌آوری‌شده را طی حساب بانکی مخصوصی به شعب این بانک‌ها واریز می‌کردند،<sup>۳۱</sup> و حکومت مرکزی عایدات جمع‌آوری‌شده را از شعبه مرکزی این بانک‌ها در تهران دریافت می‌کرد. بانک استقراضی، که به‌ویژه در مناطق شمالی کشور متصدی این امر بود، هرگاه لازم می‌دید، با همکاری کنسولگری‌های روسیه در آن مناطق، به بعضی اعمال خلاف اصول دست می‌زد و در پی آن مشکلاتی برای حکام و کارگزاران محلی و نیز دولت مرکزی ایران به‌وجود می‌آمد.<sup>۳۲</sup>

از جمله مواردی پیش می‌آمد که بانک استقراضی با حمایت کنسولگری‌های روسیه در نواحی مختلف مستقیماً مالیات‌های اتباع روسی و نیز ایرانیانی را که خود را تحت حمایت سیاسی دولت روسیه قرار داده بودند جمع‌آوری می‌کرد و از واریز آن به حساب دولت ایران طفره می‌رفت و به اعتراضات دولت ایران نیز توجهی نمی‌نمود. همچنین کسانی که املاک و دارایی‌های غیرمنقول آنان در اجاره اتباع روسیه بود ملزم می‌شدند مالیات خود را، با هماهنگی کنسولگری‌های روس، مستقیماً به بانک استقراضی بپردازند.<sup>۳۳</sup> تاونلی، سفیر وقت بریتانیا در تهران، در ۱۴ آوریل ۱۹۱۴ م. طی مرسله‌ای به گری به یک مورد از این گونه اقدامات چنین اشاره کرده است: «تلگرامی از تبریز به مطبوعه تهران رسیده است که اشعار می‌دارد اعلانی از سوی جنرال کنسول روسیه در تبریز انتشار یافته است که طبق آن، اتباع روس و دیگر افراد تحت حمایت این کشور باید از ۲۱ مارس مالیات‌های خود را از طریق کنسولگری روس به بانک روس تحویل دهند. حکم مشابهی به اتباع ایرانی هم که املاکشان در اجاره اتباع روسیه است ابلاغ شده است».<sup>۳۴</sup>

### تصرفات غیرقانونی

بانک استقراضی، طی مفاد امتیازنامه‌اش، از خرید هرگونه اموال غیرمنقول در ایران منع شده بود، اما این بانک برخلاف مقررات امتیازنامه و تحت حمایت‌های سیاسی - نظامی دولت روسیه، در موارد متعدد به خرید و تصرف اموال غیرمنقول و املاک زراعی اقدام کرد و حتی هرگاه مالکان آن اراضی از فروش دارایی‌های خود استنکاف می‌ورزیدند از اینکه به زور متوسل شود نیز ابایی نداشت. تاونلی در ۱۲ مه ۱۹۱۳ م. در گزارشی به گری به یکی از همین موارد چنین اشاره کرده است: «بانک روس در مشهد اراضی جدیدی در محله ارگ خریداری کرده است و ظاهراً در برخی موارد این امکان را به زور صاحب شده است».<sup>۳۵</sup>

حکومت مرکزی ایران گاهی به این قبیل اعمال غیرقانونی بانک استقراضی اعتراضاتی می‌کرد، اما هیچ‌گاه از این‌گونه اعتراضات و انتقادات نتیجه قطعی گرفته نمی‌شد؛ چنان‌که یک بار وزارت امورخارجه ایران در سال ۱۳۲۳ ق. طی مرسله‌ای که به شرح زیر برای سفارت روس در تهران فرستاد، نسبت به تملک غیرقانونی زمین در اصفهان توسط بانک استقراضی اعتراض کرد، اما سفارت روس هیچ‌گونه اقدامی برای جلوگیری از این عمل بانک انجام نداد: «... به‌طوری‌که از اصفهان به وزارت امورخارجه اطلاعات رسیده بانک استقراضی آنجا در پیش‌آمد معاملات به عمل املاک مداخله می‌نماید در صورتی که خاطر محترم آن جناب جلالت‌مأب مستحضر است که بانک استقراضی در هر یک از ولایات محروسه دولت علیه حق مداخله و معامله ملکی ندارد. با کمال احترام دوستدار از آن جناب جلالت‌مذنب خواهشمند است که به وسیله سریعیه قدغن فرمایند بانک مزبور معامله ملکی اعم از رهن و غیره نکرده، خود را از این ترتیب مخلوع بدانند و نتیجه را برای اطلاع دوستدار زودتر مرقوم فرمایند».<sup>۳۶</sup>

در موارد متعددی نیز بانک استقراضی، برای بهره‌برداری و تصرف غیرمستقیم اراضی و دارایی‌های غیرمنقول و نیز در امان ماندن از اتهام خرید غیرقانونی اموال غیرمنقول، زمین و اراضی دلخواه را به نام اتباع ایرانی می‌خرید و با توجه به وابستگی‌های شدیدی که عمدتاً این‌گونه افراد به این بانک داشتند اراضی خریداری‌شده عملاً تحت کنترل آن قرار می‌گرفت؛ چنان‌که وقتی بانک استقراضی نتوانست مستقیماً اراضی خالصه وسیعی که در سیستان به معرض فروش گذاشته شده بود بخرد، دو تن از تجار و صرافان بزرگ، رئیس‌التجار و امین‌الضرب را در خریداری آن اراضی مساعدت کرد.<sup>۳۷</sup> گو اینکه طی این معاملات، این بانک رسماً هیچ‌گونه تصرفی در این اراضی نمی‌کرد، با توجه به وابستگی‌های مالکان آن، اولیای بانک نهایت بهره را از این‌گونه اراضی می‌برد.

بدین ترتیب بانک استقراضی تا پایان فعالیت در ایران، برخلاف مدلول قرارنامه‌اش، اراضی بسیاری را در بخش‌های مرکزی و شمالی ایران در تصرف و تملک گرفت.<sup>۳۸</sup> تصرف و تملک زمین توسط بانک استقراضی از انقلاب مشروطیت به بعد سیری صعودی یافت و هم‌زمان با افزایش فشارهای نظامی - سیاسی روسیه به حکومت و دولت‌های وقت ایران، بانک استقراضی نیز بی‌توجه به انتقادات و اعتراضات اولیای امور دولت ایران، اراضی وسیعی را به شکل‌های مختلف تصرف نمود. خرید املاک توسط بانک در سراسر ایالات شمالی ایران، از استرآباد و خراسان تا منتهی‌الیه غربی آذربایجان، بیش از سایر نقاط ایران شیوع داشت و در نواحی مرکزی ایران و ایالت اصفهان، بانک استقراضی بیشترین اراضی را

در تملک و تصرف داشت. اولریخ گرگه آلمانی درباره سیاست خرید املاک و دارایی‌های غیرمنقول توسط روس‌ها و بانک استقراضی چنین نوشته است: «وسیله دیگری که روس‌ها برای افزایش دخالت‌های خود از آن استفاده می‌کردند، خرید ملک‌ها و زمین‌های واقع در خاک ایران توسط اتباع روسیه بود. با اینکه این اقدام خلاف قانون بود، اما روس‌ها در پاسخ اعتراض‌های دولت ایران، با تفسیر بند ۸ معاهده ترکمان‌چای (منعقد در ۱۸۲۸ م/ ۱۲۴۳ ق.) به توجیه اقدامات خود می‌پرداختند و به اعتراض‌های پیاپی ایران به این نوع تفسیر، وقعی نمی‌نهادند. بخش عمده زمین‌های منصرفی در دشت مغان، واقع در ولایت آذربایجان و نیز در دشت گرگان بود که روس‌ها در کمین جدا ساختن آنها از ایران بودند.

روس‌ها برای جدا ساختن این مناطق و قطع رشته وابستگی ساکنان آنها به دولت ایران، رسم تحت‌الحمایگی را باب کردند و کنسولگری‌های روس، متنفذین محلی و سایر اتباع ایرانی را تحت‌الحمایه روسیه قرار دادند. دولت روسیه با این گونه افراد، همانند اتباع روسی رفتار می‌کرد و این افراد که اکثراً عناصری مشکوک و یاغی بودند، خود را تحت‌الحمایه روسیه قرار می‌دادند و از چنگ حکومت مرکزی می‌گریختند.

باید گفت که بیشتر تحت‌الحمایگان در آذربایجان بودند و چون شجاع‌الدوله، حاکم آن ولایت، آلت دست روس‌ها بود، مشکل خاصی به وجود نمی‌آمد. بیشتر موارد سوءاستفاده از تحت‌الحمایگی و نتیجتاً برخوردهای حاصل از آن، در ولایت اصفهان رخ می‌داد. فون کاور، رئیس روسی بانک استقراضی، فرد صاحب نفوذی چون ظل‌السلطان و املاک وسیع او را تحت‌الحمایه روسیه قرار داد و از حیطة اختیار دولت ایران خارج ساخت و صمصام‌السلطنه بختیاری، حاکم ولایت اصفهان، که از سوی انگلیسی‌ها حمایت می‌شد و نمی‌خواست اختیارات حکومتی او به این ترتیب از جانب یک دولت بیگانه خدشه‌دار شود، در برابر اقدام روس‌ها به مقاومت برخاست.

در ابتدای ۱۹۱۴ م/ زمستان ۱۳۳۳ ق. که کنسول روسیه در آذربایجان درصدد گرفتن مالیات به روش دلخواه خود برآمد — و این کار تجاوز آشکار به حق حاکمیت ایران بود — و نیز هنگامی که کاور برای به دست آوردن امتیاز آبیاری و خریداری و تصرف زمین‌های وسیع توسط اتباع روسی اقدام نمود و آشکار شد که ولایت اصفهان به مرکز نقل فعالیت‌های سیاسی — اقتصادی روسیه تبدیل شده است، تازه انگلیسی‌ها متوجه اشتباهی سیری‌ناپذیر روس‌ها شدند و به تدریج درصدد پشتیبانی از اعتراض‌های دولت ایران برآمدند.<sup>۳۳</sup>

در سال‌های نخست دهه ۱۹۱۰ م، که نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی روس‌ها در ایران به اوج خود رسیده بود، سیاست خرید املاک و اراضی

در ایران با سرعت و حدت بیشتری دنبال شد و قلمروهای وسیعی از خاک کشور با حمایت‌های مالی — اعتباری بانک استقراضی به تصرف دولت و اتباع روسیه درآمد.<sup>۳۴</sup> سروالتر تاونلی، سفیر بریتانیا در تهران، در ۱۷ مارس ۱۹۱۳ م طی گزارشی به شرح زیر، لیستی از روستاهایی را که روس‌ها در استرآباد خریده بودند به اطلاع گری رساند: «روستاهایی که در استرآباد توسط روس‌ها خریداری شده و تبدیل به کلنی‌های این کشور [مهاجرنشین‌ها] شدند به قرار زیرند: سرنگ شامل ۱۵۰ خانوار؛ ماراکلاته شامل شصت خانوار؛ باقرآباد شامل پنجاه خانوار. فاضل‌آباد شامل چهل خانوار. نوقان شامل شصت خانوار. کلا حدود ۲۶۰ خانوار تاکنون به این مناطق وارد شده و در این ناحیه ساکن شده‌اند».<sup>۳۵</sup>

با در پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی بود که طی سال‌های نخست جنگ جهانی، تعداد بسیاری از اتباع ایرانی ساکن ایالات شمالی به تدریج از دولت ایران ترک تابعیت کردند و تحت نفوذ و حمایت دولت روسیه قرار گرفتند؛ تاجایی که گفته می‌شد در همان زمان حدود ۷۵ درصد ملاک‌های آذربایجان تابعیت سیاسی روسیه تزاری را قبول کرده بودند.<sup>۳۶</sup>

عین‌السلطنه از سیر رو به گسترش خرید اراضی در بخش‌های شمال شرق کشور توسط روس‌ها خبر داده است که به دنبال آن، تعداد بسیاری از اتباع آن کشور وارد آن اراضی شدند و کلنی‌نشین‌های روسی تشکیل دادند و دولت ایران نیز به‌رغم اعتراضاتی که به سفارت روسی کرد نتیجه‌ای عایدش نشد. او در خاطرات سال ۱۳۲۲ ق. آورده است: «از ترکستان روس و خود روسیه مهاجرین زیادی به شمال شرقی ایران وارد می‌شود و این مهاجرت به دستورالعمل دولت روس است و در آتیه صدهزاران مفاصد دارد. از قرار آنکه نوشته بود تا حال قریب پنجاه‌هزار نفر روس وارد شده و تا آخر سال جاری به صد هزار نفر می‌رسد. اینها اراضی زرخیز ترک و گرگان را مسکن خود قرار داده‌اند. به این ترتیب که از بعضی‌ها قطعه زمینی خریداری می‌کنند، خواه ملک آنها باشد خواه خالصه دولت. آن وقت به قدر قوه و قدرت و اشتیهای خود اراضی ضبط و تصرف می‌کنند. بعضی‌ها هم از یکی دو نفر ملای استرآباد به پول یا به زور نوشته دریافت می‌کنند و آن وقت هرقدر بتوانند زمین می‌برند فعلاً هفتصد باب خانه ساخته‌اند. در روزنامه می‌نویسد ما از سفیر روس در این باب سؤال کردیم جواب گفت: این مسئله برای آبادی ایران نافع است و باعث اتحاد و دوستی هم می‌شود. از طرف دولت ایران هم به ما در این خصوص شکایتی یا اطلاعی نرسیده. روزنامه‌نویس خیلی از این مسئله که هنوز از طرف وزارت خارجه در این باب عنوانی به سفیر نشده تعجب می‌کند و بد می‌گوید که یک مطلب به این بزرگی را هیچ‌کس ندارد و هیچ شکوه نکرده است. باز می‌نویسد ایران هنوز کلنی روس نشده، این چه

وام‌هایی که بانک استقراضی طی دوران فعالیت خود در مقاطع مختلف به حکومت و دولت‌های وقت ایران اعطا کرد، از ابزار مهم نفوذ سیاسی دولت روسیه در ایران بود. این وام‌ها، شروط سنگین و اسارت‌باری را به دنبال آورد و به شدت حکومت مرکزی ایران را به روس‌ها وابسته کرد

اوضاعی است. اما چه ثمر به این نوشت‌ها که کار از کار گذشته است»<sup>۳۲</sup>.

از سال ۱۹۱۴م. دولت روسیه برای تصرف و بهره‌برداری از اراضی نواحی شمالی ایران طرح‌های انسجام‌یافته‌ای اجرا کرد و برای سازمان‌دهی کمی و کیفی امور مهاجران و نیز ایجاد سرمایه‌گذاری‌های بیشتر اقتصادی و تجاری در آن مناطق، بانک استقرایی را مأمور ساخت تا به‌ویژه در نواحی استرآباد و گرگان اراضی و املاک وسیعی را بخرد و با بهره‌گیری از تخصص و تجربه کارشناسان امور کشاورزی و اقتصادی روسیه، که به آن نواحی اعزام می‌شدند، نسبت به آبادانی آن مناطق اقدام کند. روزنامه نوویی ورمیا (Novie Vermia) در ۱۳ فوریه ۱۹۱۴م. در این باره چنین گزارش داده است: «مطبوعات اشاره می‌کنند که یک موج بزرگ از مهاجرین به طرف استرآباد رو آورده است و تصور می‌رود که عده مهاجرین روس در استرآباد به بیست‌هزار تن برسد. کسانی که زودتر وارد شدند، اراضی مزروعی به‌دست آوردند و برای مدت ۹۹ سال اجاره کردند. اما ناگهان اوضاع تغییر کرد. سرمایه‌داران روسی بر روی این اراضی بایر دست انداختند و مهاجرین بی‌بضاعت در زمین‌های سرمایه‌داران مشغول زراعت شدند. در ژانویه ۱۹۱۴م. کنفرانسی در سن‌پترزبورگ از وزرا منعقد گردید و اکثریت آراء بر این قرار گرفت که تخصیص قسمت‌های بزرگ زمین تا پانزده هکتار برای اشخاصی که وسایل کافی برای اقدام به کارهای بزرگ ندارند مناسب نیست و بنا به دستور موسیو سزانو به موسیو کرسووتس، وزیرمختار روس در تهران، (۱۹۱۴/۲/۱۴) قرار است که برای حل مسئله دولت با بانک روس در ایران، تمام اراضی بایر نواحی استرآباد و گرگان را خریداری نماید تا بتوان برای آبادی آنها با شرکت کارمندان با تجربه اداره مهاجرین اقدام لازم به عمل آورد»<sup>۳۳</sup>.

### قاچاق اسلحه

از جمله اقدامات ناروایی بانک استقرایی در ایران قاچاق اسلحه به قصد ایجاد ناآرامی و شورش بود. گزارش‌هایی وجود دارد که از تلاش اولیای این بانک برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان و ارمنه در مناطق شمالی ایران در سال ۱۹۰۵م. حکایت می‌کند. درباره انگیزه اولیای بانک در اقدام به چنین عملی مطلبی در منابع آورده نشده است، اما به‌هرحال در نواحی شمالی ایران، ارمنه بیشترین و نزدیک‌ترین روابط را با روس داشتند و در بسیاری از اقدامات سیاسی، اقتصادی و... با این کشور در ایران مشارکت و همکاری می‌نمودند. در ماه مه ۱۹۰۵م. حکمران گیلان تعدادی از ارمنه را دستگیر کرد و از آنان اقرار گرفت که به دستور بانک استقرایی میان ارمنه آن نواحی اسلحه گرم توزیع کرده و قصد داشته‌اند ارمنه و مسلمانان را به جان هم اندازند. هاردینگ در ۱۶ مه ۱۹۰۵م. در این باره به

لنز داو، وزیر امور خارجه وقت بریتانیا، چنین گزارش داده است: «رشت - اخیراً دو نفر ارمنی به خاطر اینکه برخلاف دستورات صادر شده دست به قاچاق اسلحه زده بودند دستگیر شدند. آنها حتی زیر چوب فلک شاهزاده حکمران نیز از علت این کار خودداری کردند تا اینکه آنها را عریان کرده و دیگ‌های نفتیده بر روی دست آنها قرار دادند. در این هنگام آنها اعتراف کردند که از طرف بانک روس استخدام شده‌اند تا دست به تحریک بزنند و بین ارمنیان و مسلمانان ایجاد بلوا کنند و میان ارمنیان اسلحه‌های گرم توزیع کنند. مدت کوتاهی بعد از این واقعه، این دو تن توسط کنسول روس به این بهانه که آنها تحت حمایت آنها قرار دارند، مطالبه شدند»<sup>۳۴</sup>.

### نیروی قزاق

از ابزارهای مهم اعمال قدرت سیاسی و نیز نظامی روسیه تزاری در ایران نیروی قزاق بود. نیروی قزاق، که در سال ۱۸۷۹م. در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و با همت افسران روسی تأسیس شد، تا پایان حضور روسیه تزاری در عرصه سیاسی - نظامی ایران مهم‌ترین نیروی نظامی سازمان‌یافته کشور ایران محسوب می‌شد که در تمام آن دوران، فرماندهی و مدیریت عالی آن در اختیار افسران روسی بود. فرمانده‌های روسی بریگاد قزاق که مستقیماً دولت روسیه آنها را برمی‌گزید، پیش از آنکه مجری دستورات دولت ایران باشند، طبق آموزه‌ها و دستورالعمل‌های دولت روسیه رفتار می‌کردند»<sup>۳۵</sup>.

باین‌حال تمام هزینه‌های این نیرو را دولت ایران پرداخت می‌کرد، بدون اینکه در میزان این هزینه و چگونگی مصرف آن مداخله کنند»<sup>۳۶</sup>. بدین ترتیب «بریگاد قزاق ایران، یعنی یگانه نیروی مسلح بانضباط به وسیله افسران روسی تشکیل شده بود و عملاً زیر فرمان آنها قرار داشت و آنان دستور کار خود را از مرکز فرماندهی قزاق می‌گرفتند. بودجه این سازمان از طرف بانک استقرایی روس به حساب دولت ایران مستقیماً به فرماندهی این بریگاد پرداخت می‌شد و دولت ایران در آن نظارت نداشت»<sup>۳۷</sup>.

محمدعلی سیاح محلاتی در سال ۱۳۲۳ق. تعداد نیروی قزاق را حدود یک هزار تن بر می‌شمارد که در عین حال منظم‌ترین نیروی نظامی کشور نیز بوده‌اند. اما به‌رغم اینکه تمام هزینه‌ها و مواجب آن را دولت ایران پرداخت می‌کرد، تحت نفوذ سفارت روس قرار داشت»<sup>۳۸</sup>. حقوق، مواجب و هزینه‌های جاری نیروی قزاق مستقیماً از عایدات گمرکات شمالی ایران به بانک استقرایی روس واریز می‌شد و اولیای این بانک، طبق دستورات سفارت روس در تهران، مواجب این نیروها را پرداخت می‌کردند بدون اینکه اولیای امور دولت ایران از شیوه آن اطلاع یابند. م. پاولویچ درباره نیروی قزاق و مداخلات ناروایی آن در امور سیاسی ایران چنین نوشته است: «حقوق و جیره

افسران و سربازان بریگاد قزاق در دست دولت روسیه بود. فرمانده بریگاد در مسائل سیاسی با صلاح‌دید سفیر روس مقیم تهران اقدام به عمل آورد. فرمانده بریگاد از پترزبورگ تعیین و اعزام می‌شد. این فرمانده حقوق خود را از بانک استقرایی و تعلیمات لازمه را از سفارت روسیه تزاری اخذ می‌کرد. در یک کلمه این فرمانده عامل مستقیم حکومت پترزبورگ بود»<sup>۳۹</sup>.

همین نیروی قزاق بود که در وقایع مشروطیت، به فرماندهی لیاخوف، مجلس شورای ملی دوره اول را به توپ بست»<sup>۴۰</sup>. بانک استقرایی، که در تأمین مالی نیروی قزاق سهم اصلی را داشت، برای برقراری امنیت لازم مالی و جانی خود و کارمندانش عمدتاً به همین نیرو متکی بود»<sup>۴۱</sup>. علاوه بر اینکه محافظت از شعب بانک در تهران و ایالات مختلف ایران بر عهده نیروی قزاق قرار داشت، به هنگام حمل و نقل محمولات بانک<sup>۴۲</sup> و نیز مسافرت مدیران آن در داخل کشور نیز قزاق‌ها عهده‌دار امنیت و محافظت از راه‌ها می‌شدند»<sup>۴۳</sup>. اکثر کسانی که درباره عملکرد نیروی قزاق در ایران تحقیقاتی انجام داده‌اند بر تأثیر مخرب این نیرو در حیات سیاسی - نظامی ایران تأکید ورزیده و به‌ویژه تأکید کرده‌اند که بانک استقرایی، با پرداخت مرتب مواجب و هزینه‌های جاری این نیرو، در تحقق اهداف آن در پاسداری از خواسته‌های سیاسی - نظامی روسیه در ایران بیشترین سهم را داشته است»<sup>۴۴</sup>. ویلهلم لیتن، که خود در آستانه جنگ جهانی اول در ایران حضور داشت، درباره کارنامه سیاسی - نظامی نیروی قزاق و سهم بانک استقرایی در تقویت این نیرو نوشته است: «بریگاد قزاق یک نیروی نظامی ایرانی بود که دستورات آن از جانب افسران روسی صادر می‌شد و تحت فرماندهی عالی روسیه قرار داشت و سالیانه برای امور خود ۳۴۲۰۰۰ تومان (برابر تقریباً ۱/۲۰۰/۰۰۰ مارک) دریافت می‌داشت، که در سال ۱۹۱۳م. به نهصد هزار تومان (در حدود ۲۷۵۰۰/۰۰۰ مارک) افزایش یافت. این مبلغ مستقیماً توسط بانک استقرایی در ایران از طریق درآمد عوارض گمرک شمال ایران پرداخت می‌شد.

مصرف پول، در اختیار فرمانده گذاشته شده بود و در چگونگی مصرف آن هیچ صورت‌حسابی به دولت و یا خزانه‌داری ایران ارائه نمی‌شد. تعداد نفرات گارد قزاق شامل ۱۶۰۰ نفر می‌شد، که در سال ۱۹۱۳م. به واسطه تأسیس بخش‌هایی در تبریز، رشت و همدان، این تعداد افزایش یافت. کوشش در مورد اینکه از قزاق‌ها به مثابه ژاندارمری راه‌ها در شمال ایران استفاده شود، در اثر مقاومت فرمانده آنان، شاهزاده و ادبولسکی، به مرحله اجرا در نیامد.

بریگاد قزاق یک نیروی نظامی دربار، رژه و گارد محافظ شاه و فرستادگان روسی بود، در حالی که از بدو تأسیس آن، از سال ۱۸۷۹م. هیچ افسر روسی به قتل نرسیده و یا زخمی نشده است. افسران سوئدی که در سال ۱۹۱۱م. ژاندارمری ایران را تأسیس کردند، تنها



در سال ۱۹۱۴ م. شش نفر از افسران خود را ضمن خدمت از دست دادند. از نظر اهمیت، شغل فرماندهی بریگاد قزاق به مثابه معدن طلا برای دارنده این پست بود، اما افسران بریگاد معمولاً بسیار ساده و بی‌آلایش با این مقام برخورد می‌کردند.

پس از شکست روسیه در سال ۱۹۱۷-۱۹۱۸ م بریگاد قزاق به دیگر قوای روسی که به خدمت انگلستان درآمدند، ملحق شد.<sup>۴۶</sup>

بانک استقراضی بیشترین سهم را در گسترش نفوذ اقتصادی و به تبع آن خواسته‌های سیاسی روسیه بر عهده داشت و بیشترین سرمایه‌گذاری‌های نقدی و غیرنقدی روسیه در ایران دوره قاجار نیز از طریق بانک استقراضی انجام شد؛ به‌ویژه سرمایه‌های دولتی روسیه در ایران آن روزگار عمدتاً از طریق این بانک وارد کشور گردید و با وجود میلیون‌ها روبل پولی که به این مؤسسه تزریق می‌شد، وقتی که این بانک در سال ۱۹۲۱ م/۱۳۰۰ ش به پایان راه خود رسید، موجودی صندوق آن از چند قران تجاوز نمی‌کرد و مبالغ بسیار هنگفتی بدهی داشت.

#### پی‌نوشت‌ها

۱- میرزا علی‌خان امین‌الدوله، خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانماتیان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵، ص ۱۲۴

2- Geoffrey Jones, Banking and Empire in Iran, Vol. 1, First Published, London: Cambridge University, 1986, P. 7

3- Ibid, P. 20

۴- محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، خلسه مشهور به خوابنامه، به کوشش محمود کتیرایی، چاپ دوم، تهران: توکا، ۱۳۵۷، ص ۱۳۶

۵- همان، صص ۱۶۵-۱۶۴  
۶- میرزا محمودخان علاءالملک طباطبایی، گزارش‌های سیاسی علاءالملک، به کوشش ابراهیم صفایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۲۸

۷- موسیو دبروتروف، پس از کناره‌گیری پرنس دالگورکی از وزیرمختاری روسیه در تهران، جانشین او شد. دالگورکی از نوامبر ۱۸۸۸ م. وزیرمختار روسیه در تهران بود. رک: پنجاه نامه تاریخی دوران قاجاریه، به کوشش ابراهیم صفایی، تهران: بابک، ۱۳۵۵، ص ۱۲۹

۸- نیکی آر کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶، صص ۶۴-۶۳

۹- عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: علمی، ۱۳۳۴، ص ۶۱۰

۱۰- شاپور رواسانی، دولت و حکومت در ایران، تهران: نشر شمع، بی‌تا، ص ۴۰

۱۱- برای نمونه رک: و. ا. کاساکوفسکی، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: کتاب‌های سیمرخ، ۱۳۴۴، ص ۱۱؛ احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، تهران: زمینه، ۱۳۵۹، صص ۶۰-۵۸؛ محمد احمد پناهی سمنانی، ناصرالدین‌شاه، فراز و فرود استبداد سنتی در ایران، تهران:

نمونه، ۱۳۷۷، صص ۲۵۳-۲۵۰؛ ولی‌الله محمدی، بانک و عملیات بانکی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۰، ص ۲۳۰

۱۲- ریشه و روند تاریخی تنباکو، بی‌جا، بی‌تا، ص ۴۴

۱۳- موسیو ب. نیکتین، خاطرات و سفرنامه موسیو ب. نیکتین، ترجمه علی‌محمد فره‌وشی، چاپ دوم، تهران: کانون معرفت، ۱۳۵۶، صص ۱۰۱-۱۰۰

۱۴- برای نمونه رک: آر تور جسرل میلسیو، آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ۱۳۷۰، ص ۲۰

۱۵- برای نمونه رک: رحیم رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۱، تبریز: ستوده، ۱۳۷۴، ص ۳۸۸

۱۶- تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷)، تهران: بانک ملی ایران، ۱۳۳۸، ص ۴۴

۱۷- فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۴، ص ۴۲۷

۱۸- همان، ص ۲۵۶

۱۹- اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم: گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران، ترجمه معصومه جمشیدی و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶، صص ۳۴-۳۳

۲۰- روزنامه جل‌المتین، س ۱۲، ش ۴۲ (۶ محرم ۱۳۲۳)، صص ۱۲-۱۱

۲۱- جیمز فردریک مابرنلی، عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸)، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا، ۱۳۷۹، ص ۳۳

۲۲- پیوکار لوتزنزیو، رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، صص ۱۲۵-۱۲۴

۲۳- برای نمونه رک: غلامعلی‌خان عزیزالسلطان (ملیجک ثانی)، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ج ۴، به کوشش محسن میرزایی، تهران: زریاب، ۱۳۷۶، صص ۲۸۸۰-۲۸۷۹

۲۴- فیروز کاظم‌زاده، همان، ص ۲۵۷

۲۵- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلام ایران، س ۱۳۳۳، ق. کارتن ۱۳، پوشه ۱۰

۲۶- احمدعلی مورخ‌الدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴)، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۳۶، ص ۳۵۹

۲۷- لودمیلا کولاگینا، استیلای امپریالیسم بر ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: علم، ۱۳۵۹، ص ۳۸ و مروین. ل. انتنر، روابط بازرگانی روس و ایران: ۱۸۲۸-۱۹۱۴، ترجمه احمد توکلی، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۹، صص ۱۲۷-۱۲۶

۲۸- ویلهلم لیتن، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: معین، ۱۳۶۷، ص ۱۱۰؛ م. پاولویچ و تریا. س. ایرانسکی، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه م. هوشیار، تهران: نقش جهان، ۱۳۳۰، صص ۲۹-۲۳

۲۹- موسیو ب. نیکتین، همان، ص ۴۴

۳۰- قهرمان میرزا سالور، خاطرات عین‌السلطنه، ج ۲، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۶،

صص ۱۴۸۴ و ۱۵۰۲ و ۱۵۱۱؛ پیوکار لوتزنزیو، همان، صص ۱۲۱-۱۱۸؛ لودمیلا کولاگینا، همان، ص ۳۸؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی‌گیلانی، چاپ دوم، تهران: ندای کتاب، ۱۳۶۳، صص ۵۴۳-۵۲۸

31- Iran Political Diaries; 1881 - 1965. General Editor: Dr R. M. Burrell, [14 Volume], Vol. 5, London, Archive Editions, 1997, P. 652

32- Ibid, Vol. 5, P. 49

۳۳- کتاب سبز، به کوشش رضاقلی نظام مافی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۲۳

34- Iran Political Diaries, Vol. 5, P. 620

35- Ibid, Vol. 5, P. 525

۳۶- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران، س ۱۳۳۳، ق. کارتن ۱۹، پوشه ۱۷

37- Iran Political Diaries, Vol. 2, P. 529

۳۸- ویلهلم لیتن، همان، ص ۲۳۰

۳۹- اولریخ گرکه، پیش به سوی شرق: ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدیقی، ج ۱، تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۷، صص ۵۳-۵۱

۴۰- حسینقلی مقصدلو (وکیل‌الدوله)، مخابرات استرآباد، به کوشش ایرج افشار و رسول دریاگشت، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۳۱۳

41- Iran Political Diaries, Vol. 5, P. 508

۴۲- تقی نصر، ایران در برخورد با استعمارگران: از آغاز قاجاریه تا مشروطیت، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳، ص ۳۵۸

۴۳- قهرمان میرزا سالور، همان، ج ۵، ص ۴۰۵۵

۴۴- موسیو ب. نیکتین، همان، ص ۵۶

45- Iran Political Diaries, Vol. 2, P. 410

۴۶- احمدعلی مورخ‌الدوله سپهر، همان، صص ۱۱۹-۱۱۸؛ شاپور رواسانی، همان، صص ۷۹-۷۸

۴۷- حسین آبادیان، اندیشه دینی و جنبش ضدرژی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶، ص ۶۲

۴۸- رحیم نامور، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت، بی‌جا، چاپار، ۱۳۵۲، ص ۹۵

۴۹- محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج‌سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح و سیف‌الله گلکار، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۶، ص ۵۴۴

۵۰- م. پاولویچ و تریا. ایرانسکی، همان، ص ۱۰۱

۵۱- همان، ص ۱۱۰

52- Iran Political Diaries, Vol. 4, P. 24

53- Ibid, P. 97

54- Ibid, Vol. 2, P. 298

۵۵- تاریخ ارتش نوین، ج ۱، بخش ۱، تهران: ستاد بزرگ ارتش‌تاران، بی‌تا، صص ۳۹-۳۸؛ م. پاولویچ و تریا. ایرانسکی، همان، صص ۱۰۱-۹۸؛ ابراهیم تیموری، همان، صص ۳۱۲-۳۰۹؛ سرسیسل اسپرینگ رایس، نامه‌های خصوصی سرسیسل اسپرینگ رایس، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۳۴

۵۶- ویلهلم لیتن، همان، صص ۱۷۲-۱۷۱